

«بحران آب»

جمع آوری و تنظیم: علیرضا صرامی فروشانی

امروزه کمبود آب در کشور در حال تبدیل شدن از معضل زیست‌محیطی به یک تهدید امنیتی می‌باشد و اگر تمهیدات لازم اتخاذ نگردد، می‌رود برخی قومیتها را هم به جان یکدیگر بیاندازد. تا جائیکه در فضاهای مجازی شاهد انواع تجمعات و بیانیه‌ها توسط مردم یک منطقه یا استان علیه مردم دیگر استانها بوده‌ایم. مردمی که در جنگ براساس آموزه‌های دینی و پیروی از عملدار کربلا، حاضر نبودند خود سیراب باشند و برادران‌شان از تشنگی هلاک شوند! این روند ناصواب منجر خواهد شد بدبینی، کینه و عداوت بین آحاد جامعه رشد یافته و شاید به درگیریهای خونین ختم شود؟! شکی نیست که ایران کشور خشکی بوده و در کمربند خشک زمین واقع شده است. به همین علت همواره در معرض خطر خشکسالی می‌باشد البته نباید از یاد برد که کم‌آبی‌های اخیر بیشتر از آنکه ناشی از خشکسالی باشد متأثر از موارد ذیل نیز می‌باشد:

- ۱- روند توسعه کشور و رشد جمعیت ۲- سیاستهای نابخردانه مدیریت‌های اجرائی در سنوات اخیر
- ۳- عدم تبیین نقشه راه دقیق در مصرف آب (فقدان الگوی توسعه، تولید و مصرف) تا جائیکه می‌توان اذعان نمود در حال حاضر مصرف آب کشور بیش از آورده‌های طبیعی است و برخی صاحب‌نظران (همچون دکتر یوسف حجت) مدعی‌اند؛ سالانه بیش از ده میلیارد مترمکعب از آب‌های زیرزمینی اضافه برداشت می‌شود و برداشت از آب‌های سطحی به بالای ۸۰٪ رسیده در حالیکه حداکثر مجاز برداشت از آب‌های سطحی ۴۰٪ است در نتیجه این عوامل به خشک شدن تقریبی تمامی دریاچه و بیشتر رودخانه‌های کشور منجر شده و پیش‌بینی می‌شود با این روند در آینده نزدیک کشور به کویر سوخته‌ای تبدیل خواهد شد. وی در پیش‌بینی وضعیت آینده کشور معتقد است: ورودی آب‌های زیرزمینی باید به میزان کافی و بیش از برداشت آن باشد تا اضافه برداشت‌های

سالهای اخیر جبران شود چون برداشت از آب‌های سطحی باید در حداکثر ۴۰٪ محدود شود در صورتیکه رشد جمعیت باعث نیاز بیشتر به آب شده و تغییر الگوی مصرف نیز مزید بر علت شده است. زیرا آب قابل استحصال کشور که در سه دهه قبل ۱۳۰ میلیارد مترمکعب تخمین شده می‌شد حالا به زیر ۱۰۰ کاهش یافته و جمعیت نیز به ۲ برابر افزایش یافته است بنابراین سرانه آب از ۴۰۰۰ مترمکعب بر نفر در سال به کمتر از ۱۵۰۰ کاهش یافته است و وقتی سرانه به کمتر از ۲۰۰۰ برسد کشور وارد تنش آبی می‌شود و اگر سرانه از ۱۰۰۰ کمتر شود وارد بحران آبی می‌شویم و این بحران می‌تواند شیرازه کشور را از هم بپاشد حال این سؤال پیش می‌آید که چه باید کرد؟ و راه‌کارهای مطلوب برای خروج از این وضعیت بحرانی کدامین می‌باشد؟ به نظر صاحب‌نظران، شاید اقدامات ذیل در خروج از بحران مؤثر واقع گردد. از آنجائیکه امکان افزایش نزولات آسمانی خارج از قدرت بشری است، راه‌کارها را باید به ۳ دسته تقسیم نمود:

اول: کاهش جدی در خودکفایی مواد کشاورزی همچون گندم (که خود جزء کالاهای استراتژیک می‌باشد)

دوم: ورود آب مجازی از طریق واردات بیشتر مواد غذایی

سوم: کاهش مصرف از طریق رعایت ظرفیت زیستی کشور و اصلاح الگوی توسعه، تولید و مصرف. البته شاید راه کار اول و دوم با توجه به وضعیت جغرافیایی ایران و اسناد بالادستی و اهداف مندرج در برنامه‌های توسعه‌ای چندان مقبول سیاست‌گذاران و مدیران ارشد نظام قرار نگیرد و به تعبیری با اصل استقلال کشور و نیل به خودکفایی در زمینه کالاهای استراتژیک و مورد نیاز عامه در مغایرت باشد، پس راه حل منطقی‌تر کاهش مصرف و یا به تعبیر بهتر اصلاح الگوی مصرف می‌باشد که اقدامات اجرائی ذیل بخشی از این موضوع به نظر می‌رسد:

۱- امروزه به تعبیر مدیران ارشد اجرائی کشور، بیش از ۹۲٪ آب شرب در بخش کشاورزی مصرف یا بهتر بگوئیم هدر می‌رود. و فقط ۸٪ آن در مصارف صنعتی و خانگی مصرف می‌گردد که اگر به ادعای معاون

اول رئیس‌جمهور فقط ۱۰٪ در بخش کشاورزی (از طریق دوری از روشهای سنتی و اعمال روشهای نوین کشاورزی همچون آبیاری قطره‌ای و...) صرفه‌جویی گردد ، بحران آب حل خواهد شد. البته نایبستی فراموش نمائیم اکثر قریب به اتفاق کشاورزان عزیز و زحمتکش بیسواد بوده و از این دانش محروم هستند ولی به حمدالله از سوی دیگر هزاران فارغ‌التحصیلان رشته کشاورزی و مکانیکی در کشور وجود دارد که بسیاری از آنان در رشته مورد تحصیل شان مشغول نبوده و از این استعداد بالقوه استفاده بهینه به عمل نمی‌آید و در نتیجه ضرورت دارد توسعه آموزش از طریق اعزام اکیپهای مجرب به روستاها و مناطق کشاورزی برای جایگزین نمودن شیوه‌های جدید و یاری رساندن به این گونه اقشار محروم از اولویتهای جاری کشور تلقی گردد و باید بدین امر مهم اهتمام جدی ورزیده شود و نباید اجازه داد این نعمت خدادادی که مایه حیات بشری است، بیهوده از بین برود و هدر داده شود. البته بد نیست در این بخش به سخنان دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز اشاره‌ای گذرا نمایم که عنوان داشته است: احداث سد گتونه «توسط دولت قبل» با هزینه‌ای بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد تومان تهدید جدی برای ۶۰۰/۰۰۰ هکتار اراضی کشاورزی در ۵ سال آینده (به دلیل رسیدن ۱۵ متر نمک به سطح در هر سال) می‌باشد و نیز اضافه نموده است معضل خشک‌شدن دریاچه ارومیه منجر به تعطیلی اجرای ساخت ۱۵ تا ۴۵ سد بر روی آن گردیده است . همچنین رئیس مجلس شورای اسلامی عنوان نموده است: امروز با ۶۰۰۰ تانکر کار آبرسانی به روستاها در جریان می‌باشد که همه اینها بر ضرورت این امر مهم می‌افزاید.

۲- طبق اعلام مسئولان آب تهران سد لار و لتیان خشک شده و قرار است آب افراد پرمصرف قطع شود. چون مصرف‌شان معادل ۵۳ متر مکعب برای هر نفر در ماه است که از سرانه مصرف معادل ۲۲ مترمکعب برای هر نفر، خیلی بیشتر است (۱۴۰٪ بیشتر از حد طبیعی). پس نایبستی به موضوع مصارف خانگی نیز بی- تفاوت بود. عدم تفکیک آب شرب از سایر مصارف، پوسیدگی لوله‌های شبکه آبرسانی و هرز رفتن آن، نیز از دیگر موارد حائز اهمیت است که بایستی ملحوظ نظر متولیان امر قرار گیرد. ذکر این نکته نیز ضروری است که اگر ما در کنار توجه به حاملهای انرژی (بنزین، گازوئیل و...) به موضوع مهمتر از آن یعنی آب (به عنوان یک

کالای ارزشمند و استراتژیک توجه می‌کردیم) شاید الآن با این بحران ملی مواجه نمی‌شدیم. سزاوار نیست در مملکتی که دین و آئین رسمی مردم، مزین به مکتب حیاتبخش اسلام و مذهب تشیع عزیز می‌باشد، و اسراف و تبذیر بشدت سرزنش و نکوهیده شده است. آحاد جامعه از این امر غفلت می‌ورزند. از یاد نبریم که در مقطعی از زمان یکی از ائمه جمعه کشور با یاد دادن عملی ساختن وضو بوسیله کمتر از یک لیوان آب، مردم را به این امر نیک هدایت می‌نمود ولی متأسفانه اقدامش ابتر و محدود به یک منطقه شد، در صورتیکه ضرورت آموزش اقشار گوناگون جامعه (از اطفال در مهد کودک‌ها تا بزرگسالان و...) امری لازم و ضروری بوده و بایستی جدی گرفته شود. نحوه و میزان آب مصرفی برای استحمام، بهداشت فردی، مسواک زدن و ... با رعایت کمترین میزان در مصرف آب، از ضروریاتی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است امروزه در کلیه ادارات و دوائر دولتی (که بایستی الگوی سایر افراد جامعه باشند) به دلیل عدم اعمال نظارت و کنترل‌های گوناگون شاهد هدر دادن آب شرب برای مصارف مختلف همچون شستشوی محوطه‌ها، فضای سبز و حتی کارواش خودروها در دستگاه‌های دولتی و یا پُر کردن استخرها می‌باشیم که به دور از انتظار بوده و بسیار مضموم به نظر می‌رسد.

۳- تجربه موفق بستن کمر بند ایمنی توسط رانندگان و... نشان داده که صرف ارشاد و تذکر و راهنمایی کفایت نکرده و اعمال جرائم سنگین و مجازات‌های بازدارنده در کنار اقدامات آموزشی و فرهنگی در زمینه مصرف آب ضروری به نظر می‌رسد. که به دلیل بدیهی بودن و رعایت اختصار از تشریح آن در این مجال پرهیز می‌نمایم.

۴- جا دارد در فراخوان‌های عمومی و ملی راه کارهای اصلاح الگوی توسعه، تولید و مصرف در زمینه آب را از منظر صاحب نظران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف جویا شد و بهترین‌ها را مورد تفقد قرار داد. امید آنکه با پرهیز از کفران نعمت الهی به سعادت رسیده و از این بحران اجتماعی و امنیتی به درستی خارج شویم.